



منازل و مسالک عشق در ادبیات فولکلور کردی با تکیه بر کتاب گل‌های زاگرس

کیومرث زرافشان:^۱ (دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.)

DOI:

به‌رواری وه‌رگرتن: ۲۰۲۴/۶/۱۹

صفحات: ۸۰-۱۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۳۰

به‌رواری قبول: ۲۰۲۵/۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۲

چکیده

مقدمه: دریای وسیع و عمیق ادبیات فارسی حاصل مجموعه‌ای از ادبیات اقوام ایرانی است که در تعامل با هم یک کل واحد را تشکیل داده‌اند. در این بین نقش زبان و ادبیات کردی با گویش‌ها و لهجه‌های متنوع خود در پربارکردن این درخت تناور انکار ناپذیر است. با اینحال آثاری که به زبان کردی نگاشته شده است تا کنون آنچنان که بایسته و شایسته است کاویده نشده است. این پژوهش درصدد آن است تا ضمن معرفی اجمالی علی‌اکبر نقی پور به عنوان یک شخصیت ادبی از جنبه فکری به بررسی مضمون؛ مراحل و مسالک عشق در تنها اثر وی به زبان کردی یعنی کتاب "گل‌های زاگرس" بپردازد. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در فصل بررسی داده‌ها از روش تحلیلی-توصیفی برای تبیین موضوع مورد نظر استفاده شده است. و نتایج آن مبتنی بر رویکرد تحلیل عناصر تشکیل دهنده اشعار کتاب "گل‌های زاگرس" و به شیوه کتابخانه‌ای است. ابیات کتاب "گل‌های زاگرس" متضمن مفاهیم گوناگون زندگی انسانیست و از نظر فکری مضامین متنوع و رنگارنگی را دربرمی‌گیرد. اما عشق مضمون بنیادین و پیوسته آن است. در این کتاب مطابق سیر و سلوک عرفا در طی طریق عرفان می‌توان منازل و مسالکی را در طی طریق عشق تشخیص داد. مضمون یا درون مایه "گل‌های زاگرس" در کلیت عشق و شادی است. اما در تحلیل محتوایی آن به منازل و مسالکی مانند مقبولیت، دیدار، وصال، جان نثاری و ... برمی‌خوریم. این مراحل دارای مراتبی است. بالاترین مرحله آن وصف لذت وصول و دستیابی به آن مرحله و پایین‌ترین مرحله وصف حسرت و ناکامی آن مرحله است. بنابراین همیشه اینگونه نیست که سالک طریق عشق غرق در وصال باشد بلکه مدام در معرض تهدیداتی است. به طور کلی منازل و مسالک عشق را می‌توان در پنج گام زیر خلاصه کرد:

۱. k.zarafshan@chmail.ir.

- ۱ - عاشق معشوق را می بیند و طی این دیدارها دل می‌بازد.
 - ۲ - عاشق در خلوت خود و گاه در میان جمع به توصیف عشق و معشوق خود می‌پردازد.
 - ۳ - در تب و تاب دلدادگی عاشق وارد مقام مقبولیت می‌شود.
 - ۴ - مقام بعدی در سلوک عشق، دیدار است.
 - ۵ - منزل نهایی در سلوک عشق مقام وصال است.
- کلید واژه‌ها:** ادبیات بومی، عشق، زبان کردی، علی اکبر نقی پور، گل‌های زاگرس.

مال و نه ريته کاني خوښه ويستی له نډه ده بې فولکلوري کورديد ا له سه رينه ماي کتیبې گوله کاني زاگروس کيو و مه رس زهره فشان: هه لگري بر وانا مه ی ماستر له زمان و نډه ده بې فارسي.

یوخته

پیشه‌کی: ده‌ریای بفر فراوان و قوولّی ئەده‌بیاتی فارسی ده‌رئەنجامی کۆمه‌لە ئەده‌بیاتی نەتەوه‌کانی ئێرانە که له کارلیک‌کردن ل‌گه‌ڵ یه‌کترا ده‌یک کۆیان پێکه‌ینه‌وه. لهم نێوه‌نده‌دا رۆلّی زمان و ئەده‌بی کوردی به‌ شێوه‌زار و له‌هه‌جه هه‌مه‌چه‌شنه‌کانی له‌ ده‌وله‌م‌ه‌ند‌کردنی ئەم داره‌ به‌یت‌ده‌دا حاشا هه‌ل‌نه‌گره. به‌ لّام به‌ پ‌هه‌ مه‌ کانی به‌ کوردی نووسراوه‌ وه هه‌ندە ی بێو یست و شایسته ، لیکۆلینه وه بان له نه کراوه ته وه .

نامانج: نەم توێژینەوییه نامانجی نەوییه بە کورتی عەلی نەکەم نەقیوور وە کەسایەتییه کی نەدەبی لە پوانگەیه کی فیکرییه وە بناسیتیت و بە دوادا چوون بۆ بابەتە کە بکات؛ قوناغ و تەوهری خوشمویستی لە تاکە بەرهمە کەیدا بە زمانی کوردی، واتە کتییی "گولەکانی زاگرۆس".

شېۋازى توڭرۇنەۋە: ئەم توڭرۇنەۋە يە شېۋازى كىتەبخانە بەكار دەھىنەت. لە بەشى شىكارى داتادا، شېۋازىكى شىكارى - ۋەسەفكردن بەكار دەھىنەت بۇ ۋەسەفكردنەۋى ئەۋ بابەتەى كە باسى لىۋە دەكرەت. ۋە ئەنەجامەكانى لەسەر رېيازى شىكردنەۋى ئەۋ توخمانەى كە شىعەرەكانى كىتەبى "گولەكانى زاگروس" پىكەدەھىنەن ۋە بە شىۋەيەكى كىتەبخانە دامەزراۋە. دەرهەنەجامەكان: بەتەكانى كىتەبى "گولەكانى زاگروس" چەمكى جۇراۋجۇرى ژيانى مەۋف لەخۇدەگرن ۋە لەۋۋى فېكرىيەۋە تەۋەرى ھەمەچەشن ۋە رەنگاۋرەنگ لەخۇدەگرن. بەلام خۇشەۋىستى تەۋەرى بىنەپەتى ۋە بەردەۋامى خۇيەتى. لەم كىتەبدا بە پىرى رېيازى عىرفەكان بە درىژاى رېيازى عىرفان، دەتەنەن قۇناغ ۋە رېگاكان بە درىژاى رېگاى خۇشەۋىستى بىناسەن.

دەرەنجام: تەوهری یان تەوهری "گۆلی زاگروُس" خۆشه‌ویستی و بختەوهریه به گشتی. به‌لام له شیکردنه‌وی ناوه‌ڕۆکه‌که‌یدا، تووشی قوناغ و پێزای وه‌ک قبول‌کردن، کۆبوونه‌وه، یه‌گگرتنه‌وه، قوربانیدان و هتد ده‌بین، نهم قوناغانه‌ قوناغیان هه‌یه. به‌رزترین قوناغی باس له‌ خۆشی گه‌یشتن و گه‌یشتن به‌و قوناغه‌ ده‌کات و نزمترین قوناغیش باس له‌ هه‌سرته‌ و شکستی نه‌و قوناغه‌ ده‌کات. بۆیه هه‌میشه‌وا نیه‌یه که‌ گه‌ران به‌دوای پێگای خۆشه‌ووستیدا نوقم بێت له‌ یه‌گگرتنه‌وه‌دا، به‌لکو به‌رده‌وام رووبه‌رووی هه‌ره‌شه‌ ده‌بێته‌وه. به‌ گشتی قوناغ و پێگاکانی خۆشه‌ویستی

ده‌توانین لَه پیتج هه‌نگاوَه‌ی خواره‌وه کورت بکریتَه‌وه:

- ۱- خۆشه‌ویست لَه کاتی ئەم دیدارانه‌دا خۆشه‌ویسته‌که ده‌بینیت و دلی له‌ده‌ست ده‌دات.
 - ۲- عاشق به تایه‌تی و هه‌ندیک‌جاریش به ناشکرا باسی خۆشه‌ویستی خۆی و خۆشه‌ویسته‌که‌ی ده‌کات.
 - ۳- له‌گه‌رمه‌ی عه‌شقد، عاشق ده‌چیتَه‌ دۆخی قبول‌کردنه‌وه.
 - ۴- حاله‌تی داهاتوو له‌ ڕیگای خۆشه‌ویستیدا، کۆبوونه‌وه‌یه.
 - ۵- مه‌به‌ستی کۆتایی له‌ ڕیگای خۆشه‌ویستیدا، دۆخی یه‌ک‌گرتنه.
- وشه‌ی سه‌ره‌کی: نه‌ده‌بی په‌سهن، خۆشه‌ویستی، زمانی کوردی، عه‌لی نه‌که‌هر نه‌قیپوور، گوله‌کانی زاگرووس.

۱ - مقدمه

دریای وسیع و عمیق ادبیات فارسی حاصل مجموعه‌ای از ادبیات اقوام ایرانی است که در تعامل با هم یک کل واحد را تشکیل داده‌اند. در این بین نقش زبان و ادبیات گردی با گویش‌ها و لهجه‌های متنوع خود در پربارکردن این درخت تناور انکار ناپذیر است. کم نیستند شاعران و نویسندگانی که در طول تاریخ چه به زبان فارسی و چه به زبان مادری خود قلم فرسایی کرده و دین خود را به ادبیات این مرز و بوم ادا کرده‌اند: رحیم معینی کرمانشاهی، رشیدیاسمی، احمد عزیزی، پرتو کرمانشاهی، یدالله بهزاد، علی اشرف درویشیان، علی محمد افغانی، منصور یاقوتی و ده‌ها نفر دیگر همه افرادی هستند که گل‌های خوشبویی در بوستان فرهنگ و ادب ایران زمین کاشته‌اند که تا روزگاران دور و دراز آینده مشام علاقمندان را معطر خواهند ساخت.

با اینحال آثاری که به زبان کردی نگاشته شده است تا کنون آنچنان که بایسته و شایسته است کاویده نشده است. بر این اساس در این پژوهش سعی کرده‌ایم ضمن معرفی کوتاه یکی از شخصیت‌های ادبی گرد، عشق؛ منازل و مسالک آن را در یکی از آثارش به نام "گل‌های زاگرس" بررسی کنیم. اگر چه این کتاب از نوع ادبیات غنایی است و درون مایه آن عشق است اما ما در این نوشته سعی کرده‌ایم با نگاهی تازه و از دیدگاهی متفاوت موضوع عشق را به شیوه‌ای مشابه آنچه که عارفان در منازل و مقامات عرفان طی می‌کنند، تحلیل و توصیف کنیم.

۲ - بیان مسئله

"عشق زندگی است. عشق هرگز خطا نمی‌کند، و زندگی، تا زمانی که عشق هست، به خطا نمی‌رود. در بنیان تمامی مخلوقات، عشق همچون عطیه برتر حاضر است زیرا هنگامی که هر چیز دیگری به پایان می‌رسد، عشق می‌ماند." (پائولو کوئیلو، ۱۹۹۱: ۶). عشق چه مجازی و چه واقعی، چه زمینی و چه آسمانی بخش لاینفکی از زندگی بشری و به قول عرفا موهبتی الهی است و "اصلی‌ترین و مهمترین حالت روحی انسان است که زمان، مکان، نژاد و قوم نمی‌شناسد" (خالقی برزگر، ۱۳۸۸: ۲۰۲). همه فرهنگ‌ها به شیوه‌های متنوع مسئله عشق را بازنمون ساخته‌اند. پائولو کوئیلو نویسنده برتر معاصر در تحلیل خود، سه فضیلت برای انسان بر می‌شمرد: ایمان، دانش و عشق و نتیجه می‌گیرد که عشق فضیلت برتر انسان است. (پائولو کوئیلو، ۱۹۹۱: ۶).

به جرات می‌توان گفت کمتر انسانی است که تا کنون عشق را تجربه نکرده باشد. عشق فقط عشق انسان به انسان (عشق مجازی) یا عشق انسان به اولیای دین یا به پروردگار (عشق حقیقی) و خالق خویش نیست بلکه در بسیاری موارد انسان عاشق چیزی می‌شود که خود خلق کرده است و در واقع عاشق ابزار دست ساخته خود می‌شود.

اما کمال عشق نه در ابزار بلکه در عشق ورزیدن به پدیده‌ای ذی شعور است. مصداق این ذی شعور همان است که در ادبیات و شعر شاعران نمود پیدا می‌کند. هر شاعری از عشق خوانش اختصاصی خود دارد:

...من خرقه فکنده‌ام ز عشقت باشد که به وصل تو زرم چنگ
سعدی همه روزه عشق می‌باز تا در دو جهان شوی به یک رنگ
(سعدی)

جان رفت در سر می و حافظ به عشق سوخت عیسی دمی کجاست که احیای ما کند؟
(حافظ)

در ادبیات فارسی عشق، مفاهیم و مضمون‌های آن مورد توجه نویسندگان و منتقدان بوده و مقالات و کتب فراوان در این زمینه نگاشته شده است. اما این مفهوم تا کنون در شعر سنتی کردی کاوش نشده است. بنابراین در این پژوهش به عنوان یک کار تازه به بررسی آن خواهیم پرداخت و این کار را با تکیه بر کتاب "گل‌های زاگرس" انجام خواهیم داد.

۳ - اهمیت و اهداف پژوهش

"روح يك ملت در ادبيات فولكلوريك آن متجلی است. بخش عمده‌اي از فولكلور كردي، داستان‌ها و منظومه‌ها و ادبيات دلکش عامیانه این سرزمین است که «حله‌هاي تنیده ز دل و بافته ز جان» و مظاهر زنده ذوق و احساسات و عواطف و آینه زندگی مردم روزگار گذشته است." (خالقی برزگر، ۱۳۸۸: ۲۰۱). ادبیات کردی بویژه گویش های جنوبی لبریز از این «حله‌هاي تنیده ز دل و بافته ز جان» است که از نظر فکری هنوز آنچنانکه بایسته و شایسته است واکاوی نشده است. بنابراین این پژوهش درصدد آن است تا ضمن معرفی اجمالی علی اکبر نقی پور به عنوان یک شخصیت ادبی از جنبه فکری به بررسی مضمون عشق در تنها اثر وی به زبان کردی یعنی کتاب "گل‌های زاگرس" بپردازد. در این پژوهش آثاری در حوزه های داستان، نقد و تصحیح از علی اکبر نقی پور معرفی می‌شوند که می‌توانند بعدها توسط اساتید و دانشجویان این رشته مورد پژوهش بیشتر قرار گیرند. به عبارت دیگر این پژوهش چراغی فرا راه پژوهشگران آینده است تا در این زمینه به تأمل و تعمق بیشتری بپردازند. یافته های این پژوهش را تا حدودی می‌توان به آثار غنایی ادبیات کردی تعمیم داد.

۴ - پیشینه پژوهش

خوشبختانه در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در خصوص نویسندگان و آثار ادبی در حوزه گویش - های جنوبی زبان کردی به عمل آمده است که منجر به تولید منابع مفیدی در این زمینه گردیده است. به لطف این مطالعات چراغ تابناکی بر آثار و احوال این مشاهیر تابانیده شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱ - برزگر خالقی در مقاله ای با عنوان عاشقانه های کردی به بررسی ساختار منظومه‌ها و داستان‌های عاشقانه پرداخته است. این مقاله در فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه سال ۱۳۸۸ چاپ شده است.

۲ - خزاعی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به "نقد و تحلیل داستان نویسی در غرب کشور" پرداخته است. این پایان نامه با راهنمایی دکتر قهرمان شیری با تکیه بر رمان نویسان مطرح کرمانشاه به تحلیل عناصر داستانی در آثار علی محمد افغانی، علی اشرف درویشیان، منصور یاقوتی و مهشید

امیرشاهی پرداخته است.

۳- صادقی موضوع "تحلیل زیبایی شناسی هزار ضرب المثل کردی" را در پایان نامه خود با راهنمایی سوسن جبری بررسی نموده است. تسجیع، تجنیس، موازنه، تشبیه مراعات نظیر و ... از مسائلی است که در این پایان نامه به آن پرداخته شده است.

۴- کرمی با راهنمایی محمد ایرانی در پایان نامه خود به موضوع "سبک سروده های کردی شاعران کرمانشاه" پرداخته است. در این پایان نامه سبک سروده های سید یعقوب ماهیدشتی، شامی کرمانشانی، پرتو کرمانشانی و قصری از نظر زبانی، ادبی و فکری بررسی شده است.

۵- کیهانی با راهنمایی موسی پرنیان در پژوهشی دیوان اشعار میرزا نادر هرسینی را از دیدگاه آرایه های ادبی کاوش، نقد و بررسی نموده است.

کاوش ها و نقد و بررسی در آثار شاعران و نویسندگان مطرح کرمانشاه از زوایا و دیدگاه های مختلف از جمله موضوعات کلی مانند: سیمای زن در داستان های نویسندگان (مرادی، ۱۳۹۲)، شگردهای بلاغی (امامی، ۱۳۹۸)، امور آیینی در شعر شاعران (پادبان، ۱۳۹۵ و باوند پور، ۱۳۹۶ و نادری، ۱۳۹۶)، نقد بلاغی و زیبایی شناسی (کبودی، ۱۳۹۶)، بررسی محتوای شعر پایداری (بروفرد، ۱۳۹۶)، مفاهیم عرفانی (طیاری زاده، ۱۳۹۶)، تأثیر شاعران و نویسندگان ایران بر آثار شاعران و نویسندگان کرمانشاه (همراهیان، ۱۳۹۸)، مسائل مربوط به میهن دوستی (توحیدی فر، ۱۳۹۸) چشمگیر است.

اما تا کنون هیچ پژوهش مستقلی در خصوص موضوع عشق در شعر سنتی کردی صورت نگرفته است لذا این پژوهش اولین اثری است که به طور مشخص به این موضوع می پردازد و از این جنبه دارای اهمیت و ارزش است.

۵- روش پژوهش

در این پژوهش از روش کتابخانه ای استفاده شده است. در فصل بررسی داده ها از روش تحلیلی- توصیفی برای تبیین موضوع مورد نظر استفاده شده است. و نتایج آن مبتنی بر رویکرد تحلیل عناصر تشکیل دهنده اشعار کتاب "گل های زاگرس" و به شیوه کتابخانه ای است.

۶ - زندگی نامه و کتاب شناسی

علی اکبر نقی پور نویسنده، شاعر و پزشک کرمانشاهی در سوم مهر ماه سال ۱۳۱۵ خورشیدی در روستای برف آباد از توابع شهر اسلام آباد غرب متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در شهر شاه آباد (اسلام آباد کنونی) و تحصیلات متوسطه خود را در شهر کرمانشاه به پایان برد. اگر چه او در رشته علوم انسانی تحصیل کرده بود اما علاقه به پزشکی او را به این وادی می کشاند. "در حالی که دارای مدرک دیپلم ادبی بوده در سال ۱۳۳۷ موفق به اخذ مدرک دیپلم طبیعی (تجربی) می شود و در همان سال ها در رشته پزشکی دانشگاه تبریز پذیرفته و در سال ۱۳۴۳ از آن دانشگاه فارغ التحصیل می گردد" (یوسفی، ۱۳۹۵: ۳۹۳). سپس در سال ۱۳۵۱ در شهر مشهد و در رشته های جراحی عمومی و سوختگی و جراحی ترمیمی به تحصیل می پردازد و مدارک تخصصی خود را در این شهر دریافت می کند. در همین ایام اولین کتابش به نام "نوآوری در شعر معاصر فارسی" در مشهد چاپ می شود. او در سال ۱۳۵۸ برای همیشه به تهران مهاجرت می کند و در کنار طبابت به پژوهش در حوزه های ادبیات، تاریخ و علوم اجتماعی "نقی پور به ایران و زبان فارسی عشق می ورزید و به تبار گردی خویش افتخار می کرد" (نقی پور، ۱۳۸۰: ص پشت جلد). به گواه بسیاری از بیمارانش او نه تنها پزشک متخصصی بود در خدمت افشار محروم جامعه بلکه انسانی وارسته و "بسیار حساس و پراحساس بود و دردها و زجرهای انسان ها او را به شدت متأثر می کرد." (عاطف راد، ۱۳۹۲).

علی اکبر نقی پور در سال ۱۳۹۲ در تهران دیده از جهان فرو بست. بنا به وصیت خودش، پیکر او را در دوم آبان ماه در زادگاهش به خاک سپردند. نقی پور با اینکه پزشک بود اما در حوزه تاریخ، ادبیات و علوم اجتماعی نیز دارای مطالعات عمیق بود و آثاری نیز در این زمینه ها از خود به جای گذاشته است. آثار وی عبارتند از:

۶ - ۱ - آثار چاپ شده:

شاهنامه از حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی موضوع: شرح و تحلیل ابیاتی از شاهنامه فردوسی، بررسی و معنی واژگان و تفسیر و رمز گشایی آن. شامل دیباچه ای یکصد و بیست صفحه ای و مقابله شش شاهنامه چاپی (پیش از خالقی مطلق و فلورانس) در چهار جلد و ۶۴۲ صفحه.

هشت کتاب در یک کتاب موضوع: نقدی بر "هشت کتاب" سهراب سپهری

نوآوری در شعر معاصر فارسی موضوع: بحثی در تحول شعر فارسی از کهن سرایی به نوگویی، بررسی سرچشمه های شعر فارسی در ادبیات ترجمه ای مشروطه (از فرانسوی، انگلیسی و آلمانی).

آخرین کوچ موضوع: داستانی از زندگی و فرهنگ ایلات و عشایر ایران، عشق، مبارزات سیاسی و آداب

و رسوم ایلیاتی.

قصه دیو دروغه موضوع: داستای نمادین درباره خرافات و مفاهیم بی بنیاد برای کنترل جامعه. برای سنین کودکان.

قصه خورشید اسیر موضوع: داستان

نادریش موضوع: داستان

کد خدا را ببین، ده را بچاپ داستانی نمادین از مبارزات طبقات اجتماعی.

تاجی بر تارک تاریخ معاصر موضوع: تحلیل جریان ملی شدن صنعت نفت و بیت و هشت ماه حکومت مردمی دکتر مصدق.

یارمحمدخان سردار مشروطه موضوع: شرح زندگانی یارمحمدخان کرمانشاهی یکی از سرداران مشروطه خواه در کرمانشاه

عقاب قله های کلیر موضوع: مبارزات بابک خرمدین.

کتاب فوریت های پزشکی (کمک های اولیه) موضوع: دانستی های پزشکی برای همه.

بشریت و تهدید گرسنگی موضوع: بیان مسئله گرسنگی بشر در قرن حاضر و راهکارهای مبارزه با آن، مسئله افزایش جمعیت، نگهداری مواد غذایی و ...

رأیسم و تکامل تاریخی آن موضوع: ترجمه مقاله ای از بوریس ساچکف. در یکصد و سه صفحه.

فرمالیسم در سیر تکامل جامعه موضوع: بررسی نود و پنج نویسنده و مکتب ادبی و فلسفی.

مقالات موضوع: چند مقاله چاپ شده در مجلات کلک و چیستا با موضوعات مختلف.

۶ - ۲ - آثار چاپ نشده:

گل های زاگرس موضوع: گردآوری یکصد و شصت و چهار تک بیت از ترانه ها، اشعار فولکلور و سنتی کردی گویش کلهر.

دفتر شعر موضوع: اشعاری شامل غزل، قصیده و شعر نو در چهار جلد از مؤلف.

تاریخ ایل کلهر موضوع: نگاهی به تاریخچه ایل کلهر در چهارصد و پنجاه صفحه در سه جلد.

تاریخ ادیان موضوع: بررسی تاریخچه ادیان در دو جلد و سیصد و نود صفحه (ناتمام).

دفتر خاطرات موضوع: خاطرات مؤلف از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۸۹.

فراریان قلعه وحشت موضع داستان بلند در دو یست صفحه.

۷ - مروری بر کتاب "گل‌های زاگرس"

کتاب "گل‌های زاگرس" که مبنای این مقاله است، تنها اثر نقی پور است که به زبان کردی نوشته شده است. این کتاب مشتمل بر ۱۶۴ تک بیت فولکلور کردی است که اغلب در آوازا و ترانه های کردی آمده و پاره ای از آنها مثل سائر شده است. اگر بخواهیم نوع ادبی این ابیات را مشخص کنیم بنا به تعریف "باید آن را در نوع غنایی طبقه بندی کنیم" (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

زمان آغاز نوشتن کتاب به طور دقیق معلوم نیست اما مؤلف در پایان دیباچه بیست و دو صفحه ای که برای کتاب نوشته است تاریخ دوازدهم مرداد سال ۱۳۸۲ و عبارت "باز نویسی سوم" را درج کرده است.

از جمله قسمت های قابل توجه در این کتاب ابتدا دیباچه آن است که مؤلف در آن یک رسم الخط جدید برگرفته از لاتین را برای گویش کلهری پیشنهاد داده است.^۱

نویسنده در پایان کتاب چند دو بیتی، دو غزل و یک قصیده بلند به یاد یارمحمدخان کرمانشاهی از خود و به زبان کردی (و البته رسم الخط فارسی) منضم نموده است. نقی پور این کتاب را به "عاشقان شوریده دامنه های زاگرس بزرگ، به خلق ماندگار کرد، به مردم کلهر" تقدیم کرده است.

اگر چه این کتاب در میانه راه چاپ و انتشار بود اما پاره ای مسائل چاپ و ممیزی های مربوطه فرصت چاپ آن را از مؤلف گرفت. طبق شنیده ها نسخه ای از این کتاب سالهاست که در اداره ارشاد منتظر مجوز چاپ است.

۸ - شعر فولکلور کردی گویش کلهری

واحد شعر کردی کلهری همانند شعر سنتی فارسی و عربی بیت است که متشکل از دو مصراع یا لنگه است. با این تفاوت که شعر سنتی کردی هجایی است و مرسوم ترین آن گونه ای است که در هر مصراع ده هجا دارد. شاعران نوپرداز اما به شیوه فارسی و عربی در انواع قالب های شعری و اوزان عروضی سروده دارند.

در اشعار شاعران معروف مثنوی سرا (شاعران سنتی) یک ویژگی خاص مشاهده می شود بدین گونه

^۱ - رسم الخط برگرفته از لاتین از نیمه اول قرن بیستم توسط کردهای ساکن مناطق شمالی استفاده می شود. این رسم الخط ابتدا توسط جلادت بدرخان روزنامه نگار گرد ابداع و سال ها روزنامه خود را با آن رسم الخط منتشر می کرد. چند سال بعد این رسم الخط توسط پروفیسور جمال نیز تکمیل و از آن پس به طور کامل در مناطق شمالی رواج یافت. (نگارنده)

که واژگانی که پنج هجای اول مصرع اول بیت اول را تشکیل می‌دهند بلافاصله تکرار می‌شوند و در اصطلاح در این ابیات نوعی رد الصدر الی العجز (شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۶) وجود دارد:

زاهد حهرامهن زاهد حهرامهن زاهد زنده‌گی وه توّ حهرامهن
(سلطانی، ۱۳۶۳: ۴۲)

ترجمه: زاهد حرام است، زاهد حرام است. زاهد زندگی بر تو حرام است.

و گاه کل یا قسمتی از آن در انتهای مصرع دوم بیت اول تکرار می‌شود:
شیرین ته‌ور تا که‌ئ؟ شیرین ته‌ور تا که‌ئ؟ دلدار دیرین شیرین ته‌ور تا که‌ئ؟
(همان: ۳۳)

ترجمه: شیرین رفتاری تا کی؟ شیرین رفتاری تا کی؟ دلبر شیرین شیرین رفتاری تا کی؟

هووشم مه‌دهووشه‌ن هووشم مه‌دهووشه‌ن هانای هامسه‌ران هووشم مه‌دهووشه‌ن
(همان: ۶۳)

ترجمه: هووشم مدهوش است، هووشم مدهوش است. مددی ای همراهان هووشم مدهوش است!

نکته قابل توجه دیگر در باب شعر سنتی گویش کلهری این است که زبان ادبی این گویش متمایل به گویش گوران و هورامی است بنابراین مشاهده واژگان گوران و هورامی در آن مرسوم و عادی است:
خودا برپه ده‌نگ ده‌لیران روی داد مه‌که‌ئ وه جاگه‌ئ شیران
(بیت ۷۵)

واژه "مه‌که‌ئ" از واژگان گویش گورانی است. این واژه در کلهری "که‌ئ" تلفظ می‌شود. همچنین در بیت زیر واژه "بکه‌ریم" و "ویمان" نیز گویش گورانی است و معادل آنها در کلهری به ترتیب "بکه‌یم" و "خوه‌مان" می‌باشد.

بهو تا بکه‌ریم جوانی ویمان دنیا تا وه سوو نیهن وه پیمان
(بیت ۷۹)

۹ - بحث

۹ - ۱ - مضمون یا درونمایه

پژوهشگران و منتقدان آثار ادبی در مطالعات تخصصی بین مضمون و موضوع تفاوت قائل شده‌اند. برخی آن را "معنی جزئی متکی به مناسبات لفظی و رایج در سنت شعر" (خرمشاهی، ۱۳۷۳: ۳۸) دانسته‌اند و برخی نیز تعاریف دیگری از آن مطرح می‌کنند (ر.ک. صفا، ۱۳۷۳: ۱۶۴ و سید نظری، ۱۳۷۶: ۱۳۲). اما این نوشتار جایگاه امعان نظر در این موضوع نیست و ما در مجموعه مورد تحلیل خود کلیت موضوع را صرف نظر از تعاریف و افتراقات آن مد نظر قرار خواهیم داد. درونمایه گاه در اثر واضح و روشن است مانند هنر نقاشی اما در ادبیات این درون مایه همیشه واضح و مبرهن نیست بلکه هنرمند تلاش دارد این موضوع را در لفافه ای از آرایه ها و اغراض ثانویه زبانی و ادبی بیان کند تا ذهن مخاطب را درگیر نموده و اینگونه لذت دریافت اثر هنری خود را بیشتر نماید.

مضمون یا درون مایه آثار غنایی در کلیت عشق و شادی است. اما در تحلیل محتوایی آن به منازل و مسالکی مانند مقبولیت، دیدار، وصال، جان نثاری و ... برمی‌خوریم. این مراحل دارای مراتبی است. بالاترین مرحله آن وصف لذت وصول و دستبازی به آن مرحله و پایین‌ترین مرحله وصف حسرت و ناکامی آن مرحله است. بنابراین همیشه اینگونه نیست که سالک طریق عشق غرق در وصال باشد بلکه مدام در معرض تهدیداتی است. اکنون این مراحل و مراتب را در کتاب "گل‌های زاگرس" مشخص و تحلیل می‌کنیم:

۹ - ۲ - دل از دست دادن و عاشق شدن

سالک طریق عشق در قدم‌های اول این راه پر خطر، عاشق شدن خود را توصیف می‌کند. در این ابیات "وابستگی عاشق به معشوق به زبان ساده و عامیانه بیان می‌شود و از آنجایی که با کار و تلاش مردمی ساده زیست ارتباط دارند؛ در آنها کمتر به خیال پردازی توجه شده است." (ستوده و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۷):

کم بهو کم بچوو کم بیّه زامه‌تم هم دنیا م سزیا هم قیامه‌تم

(بیت ۳۶)

غرض ثانویه و درواقع غرض اصلی شاعر عاشق شدن است. او زاهد و عابدی است که آمد و شدها و دیدارهای مکرر معشوق دل وی را ربوده و او را عاشق کرده است. بیت زیر نیز مؤید این موضوع است:

هه‌ئ داد هه‌ئ بیداد ئالووده‌ئ دهر دم کلاوه‌نشین بیتاوان گه‌ردم

(بیت ۳۹)

و همین گونه است بیت‌های: ۴۳، ۴۹، ۶۲، ۷۳، ۷۸، ۸۸، ۸۹، ۱۱۴، ۱۱۶، و ۱۱۹.

۹ - ۳ - توصف عشق

همه‌ عشاق در دفاع از عشق خود به توصیف آن می‌پردازند و سعی می‌کنند این موضوع را با کلامی هر چه شیرین‌تر و شیواتر بیان کنند و در این راه عشق خود را با عشاق مشهور همپایه می‌کنند:

دقه‌شهو دیمه خهو که‌وکیگ مه‌شاقان تمه‌س له‌یلی بق مه‌جنوون مه‌لاوان

(بیت ۸۲)

و گاه در سرزنش آنان که صاحب عشقی نیستند اینگونه می‌سرایند:

همر که‌س له‌ئ دنیا نه‌دارو دووسئ چۆ په‌س قه‌ساو بکه‌نن پووسئ

(بیت ۱۵۶)

و همینگونه است وصف عشق و تب و تاب آن در ابیات ۴۱، ۱۲۶، ۱۵۲، ۱۵۶ و ۱۵۸.

۹ - ۴ - توصیف دلدار

دل که اسیر دلدار شد همه چیز وی را زیبا می‌بیند خاصه که عاشق شاعر باشد:

سه‌ر که‌چ، سه‌روئین که‌چ، سائ سه‌روئین پر که‌چ رو‌خساره چۆ گول، بالا چۆ نه‌پوه‌چ

(بیت ۳)

عاشق دل از دست داده در این بیت از بالا تا پایین رخسار یار را زیبا می‌بیند از سربند سر دلدار گرفته تا سر و گردن و رخسار، همانگونه که در طبیعت گل و نهال نی زیباست و در این راه تا آنجا پیش می‌رود که دلدارش را به ماه و خورشید تشبیه می‌کند:

له مال دراتن جفتئ گول وه سه‌ر گه‌وراگه چۆ مانگ بقچگله چۆ خوه‌ر

(بیت ۱۸)

له ده‌روه‌چه‌گه‌د سه‌ر بکیشه‌و دهر ناله‌م رووشن که‌وهرجه لیسک خوه‌ر

(بیت ۲۰)

و همینگونه است ابیات ۲۴، ۴۵، ۸۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۰ و ۱۶۴.

۹- ۵- مقبولیت

۹- ۵- ۱- آرزوی مقبولیت

عاشق از عشق یک طرفه خود در خوف و رجا است. در این مرحله او آرزو می‌کند که ای کاش عشقش نزد معشوق مقبولیت می‌یافت:

م زامدار یگم وه زام زه لیلیم چه وه پئی مه لهم دهس ده لیلیم

(بیت ۵۷)

له به رزی که وان بکه نن قه ورم چه و مهس خه زالا ن کوو بوونه ده رم

(بیت ۴۴)

و همین گونه است در بیت‌های: ۷۴ و ۱۶۰.

۹- ۵- ۲- طلب مقبولیت

عاشق آنگاه که دل از دست داد در پی آن است که نزد معشوق مقبول واقع شود. بنابراین عاشقانه از معشوق طلب مقبولیت می‌کند و به ماه سوگند می‌خورد:

وهی مانگه قه سه م وه خته بنیشی یه‌ئی دووسی توام نازم بکیشی

(بیت ۱۴۸)

۹- ۵- ۳- لذت مقبولیت

پس از آنکه عشق عاشق نزد معشوق مقبول افتاد، عاشق در توصیف لذت مقبولیت اینگونه می‌سراید:

هنار یگ هاتیه وه لای دووسه وه توشم بخوه مه‌ئی هر وه پووسه وه

(بیت ۱۳۵)

۹- ۶- دیدار

۹- ۶- ۱- شوق دیدار

در میانه راه عاشقی منزلی به نام دیدار وجود دارد. هر کس که سالک این راه باشد ناگزیر از اطراق در این منزل است. شاعر خوش ذوق ما این منزل را اینگونه توصیف می‌کند:

بیلا له ده رگاد ساتی دانیشم ههرکه لیم پرسی توشم ده وریشم

(بیت ۵۰)

منظور شاعر در بیت فوق استراحت در جایی یا بیان تعامل بین خود و درویش نیست بلکه غرض وی دیدار یار است که با ظرافت این مطلب را در لفافه بیان نموده است. همین گونه است در ابیات زیر:

بهو تا بنیشیم چو جار جاران چو بلبل بخوهن له سهرنسااران
(بیت ۷۶)

له دۆر دیار دا وه تم یه یاره گلاره م کوور بوو یه خور یواره
(بیت ۱۰۶)

گاه در شعر واژه ای که صراحتاً به این امر اشاره کند دیده نمی شود اما مضمون بیت شوق دیدار است: هر که س مزانی دووس نرام باری نختیار دیری چهوم دراری
(بیت ۱۵۳)

۹ - ۶ - ۲ - آرزوی دیدار

وقتی که تنور اشتیاق دیدار گرم شد، عاشق دل از دست داده آرزوی دیدار می کند. او آرزوی خویش را اینگونه بیان می کند:

مه ر نهوسا ده رجوو خه م له خه یالم ته قه یی که وشه گه د بایدن له مالم
(بیت ۵۶)

شاعر در این بیت آرزو می کند که صدای پای دلبر را در خانه اش بشنود. این صدا نشانه نزدیکی قرار ملاقات و وعده دیدار است که در این بیت کفش و احیاناً صدای کفش بر روی سنگفرش کوچه و خیابان نماد آن است. اما در بیت زیر این آرزو به طریقی دیگر بیان شده است. در این بیت شاعر به بهانه رفتن به دنبال کسب و کار آرزوی دیدار دلبرش می کند:

نه گه نم فرووش نه پارچه سینم وه شار هاتمه دووسه گه م بۆنم
(بیت ۶۵)

و همین گونه است در بیت های ۵۶، ۱۲۷، و ۱۴۳.

۹ - ۶ - ۳ - طلب دیدار

در طی طریق عشق به مرحله ای می رسیم که طلب دیدار است. همیشه اینگونه نیست که فرصت وصال برای شاعر دست دهد. بنابراین شاعر یک گام پس می نهد و به دیدار هم قانع می شود و آن را با ذوق شاعرانه خود اینگونه می طلبد.

قوولم وه حاجه ت ئی مانگ نووه ت کوتا نه که ی ئی هام شووه

(بیت ۱۳۰)

عاشق دلباخته دلبرش را به ماه نو قسم می‌دهد که دیدارهایش را قطع نکند.

۹ - ۶ - ۴ - لذت دیدار

آنگاه که طلب دیدار مقبول می‌افتد شاعر لذت آن دیدار را اینگونه وصف می‌کند:

وهختی بالآگه‌د لیمه‌و دیاره چله‌ی زه‌مسانم فه‌سل وه‌هاره

(بیت ۱۰۳)

مه‌ردم وه‌حه‌ج چن وه‌رئ شامه‌وه حه‌ج من یه‌سه‌ها وه‌لامه‌وه

(بیت ۱۲۸)

۹ - ۷ - وصال

۹ - ۷ - ۱ آرزوی وصال

طلب وصال برای بسیاری از عشاق نگون بخت بی‌پاسخ می‌ماند آنگاه ذوق ادبی شاعر به سراغ آرزو می‌رود و آرزوی وصال می‌کند:

سئ مانگه‌ی زمسان خوه‌زیه‌و شه‌و بؤا دهم له‌ناو دهم چه‌و له‌خمو بؤا

(بیت ۵)

کاشکی من پیام کۆزه‌ی بان شاندا تک‌تک بتکیام وه‌ناو مه‌مکاندا

(بیت ۱۳)

زلفه‌لۆله‌گه‌د تال تال بکیشم بکه‌مه‌ی چه‌رداخ له‌پای بنیشم

(بیت ۵۲)

۹ - ۷ - ۲ - طلب وصال

اما عشق همیشه آغوش خود را به روی عاشق باز نمی‌کند و به وصال منتهی نمی‌شود اینجاست که شاعر عاشق خوش قریحه لب به سخن می‌گشاید و طلب وصال می‌کند:

ئپواره‌د وه‌خه‌یر به‌رئه‌گه‌د ناوا بگرهم له‌باوه‌ش چۆ کورپه‌ساوا

(بیت ۱)

سایر ابیاتی که شاعر در آن طلب وصال می‌کند عبارتند از: ۱۴، ۲۶، ۴۶، ۵۸، ۷۹، ۸۴، ۹۵ و ۱۱۸.

۹- ۷- ۳- لذت وصال

اوج شادی و گل بی خار عشق لذت وصال است. معمولاً شیرین‌ترین و پر جاذبه‌ترین کلام شاعر در این حوزه می‌گنجد:

خرووس خجالهت هه‌ردگ دنیا بای هیمان ئیواره‌س بانگ سوو سه‌ر دای
(بیت ۱۴۶)

۹- ۸- حسرت‌ها و ناکامی‌ها در عشق

سیر و سلوک در وادی عشق گاه به شکست عاطفی منجر می‌شود و شاعر عاشق به این نقطه می‌رسد که آرزوهایش هرگز به واقعیت نمی‌پیوندد آنگاه زبان به سخن می‌گشاید و در حسرت عشق از دست رفته اینگونه می‌سراید:

ته‌نیا دارینگ بۆم کیه‌نی له پام بۆ گهل گهل نازاران دایهم له سام بۆ
(بیت ۹۸)

ئیسه پیر بۆمه گلام رژیایه گهل گهل نازاران له لیم تووریایه
(بیت ۹۹)

و همچنین است ابیات ۴۰، ۶۱، ۸۳، ۹۶ و ۱۳۴.

حسرت‌ها و ناکامی‌ها در هر کدام از مساکن و منازل عشق به شیوه خاصی بیان می‌گردد. مثلاً شاعر خوش‌الحان در حسرت وصال اینگونه می‌سراید:

هه‌سه‌ره‌تم یه‌سه بامه ماله‌گه‌د ده‌م به‌نهم وه بان ته‌نیا خاله‌گه‌د
(بیت ۱۰)

یا گاه که دیدار حاصل نمی‌شود در بیان درد فراق و شکوه از آن اینچنین داد سخن می‌دهد:

سه‌ر بۆوه سه‌ر بار ته‌ن بۆ وه بارم هه‌ر له په‌ژاره‌ی دۆریه‌گه‌ی یارم
(بیت ۴۲)

ئێ خوهره زهرده دی کهئ بوو ئاوا؟ کهفتهسه مابه‌ئێن خه‌سۆره‌و زاوا

(بیت ۲)

و همینگونه است ابیات ۴۷، ۵۹، ۶۴، ۷۰، ۸۵، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲ و ۱۲۱.

گاه این حسرت‌ها و ناکامی‌ها حاصل دخالت اغیار است. این موضوع را می‌توان از ابیات ۶، ۱۹، ۸۷، ۹۱، ۹۲ و ۱۰۴ دریافت. ذکر این نکته لازم است که الزاماً اغیار اشخاص نیستند. غیر گاه می‌تواند طبیعت باشد:

ئه‌گهر ئه‌لسم سایهم دیاره ئه‌گهر دانیشم دڵ بێقه‌راره

(بیت ۹۲)

ئمشه‌و له به‌ختم مانگه‌شه‌و تاره ئیرای دووسه‌گه‌م دڵ بێقه‌راره

(بیت ۱۰۴)

۹-۹-۹ - مضامین متفرقه

علاوه بر مضمون بارز عشق مضامین دیگری نیز با موضوعات مختلف از جمله: پیری، دنیاگریزی، وصف زندگی عشایری، درد و غم و غیره در ابیات این کتاب وجود دارد:

۹-۹-۱ - دنیاگریزی:

هه‌ئ دنیا‌داران هه‌ئ دنیا‌دووسان! دنیا ده‌میگه چۆ شاپوو بووسان

(بیت ۸۰)

۹-۹-۲ - غم و درد:

هه‌ناسه‌ئ سهردم په‌خشه له کهوان گيا سه‌ونز نیه‌که‌ئ په‌ئ به‌سه‌زووان

(بیت ۸۳)

۹-۹-۳ - توصیف زندگی عشایری:

ترو‌سکه‌ئ ئاگر سیه مأل نوو خوه‌ش خوه‌ش مه‌سووزوو وه دامان کوو

(بیت ۹۳)

۹-۹-۴ - پیری:

نیسه پیر بۆمه گلام رژیایه گهل گهل نازاران له لیم تووریایه

(بیت ۹۹)

۹-۹-۵ - شکوه از دیگران:

خزمت وه ناکهس چۆ دار بیده باخه‌وان له بید هه‌ر نائمیده

(بیت ۱۰۱)

۹-۹-۶ - غربت:

هه‌رک‌ه‌س وه پید وه‌ت غه‌ریبی خاسه بزانه له جملّه‌ی خودا نه‌شناسه

(بیت ۱۰۳)

۱۰ - نتیجه‌گیری

۱۰-۱ - محتوا:

ابیات کتاب "گل‌های زاگرس" متضمن مفاهیم گوناگون زندگی انسانیت و از نظر فکری مضامین متنوع و رنگارنگی از جمله عشق، نفرت، شادی، غم، شکوه از بی‌وفایی و ناپایداری دنیا، جبرگرایی و حتی عرصه‌های آداب و رسوم و فرهنگ جامعه را دربرمی‌گیرد. اما عشق مضمون بنیادین و پیوسته آن است.

۱۰-۲ - جایگاه عاشق و معشوق:

در این کتاب جایگاه عاشق و معشوق تا حدود زیادی منطبق بر نتایجی است که یعقوب یسنا بیان کرده است:

"عاشق به عنوان فاعل نفسانی مرد است و معشوق، زن است که نباید فاعل نفسانی باشد. عاشق (مرد) معشوق را می‌خواهد اما معشوق (زن) آرام و خاموش است. در کل مفهوم عاشق و معشوق، از ساختار دوتایی تقابل‌گرایانه تابعیت می‌کند؛ زیرا اوصافی را که عاشق دارد، معشوق برخلاف این اوصاف را دارد یا بهتر است گفته شود که معشوق عاری از اوصافی است که عاشق آن اوصاف را دارد. عاشق نفس و غریزه دارد، نیازمند و اهل خواهش است؛ معشوق از نفس و غریزه عاری دانسته شده، بی‌نیاز است. عشق در شعر سنتی گاهی دارای دو رکن است (عاشق و معشوق) و گاهی دارای سه رکن که عاشق، معشوق و رقیب می‌باشد که این رقیب همیشه انسان نیست." (یسنا، ۱۳۹۷)

۱۰-۳ - مراحل عشق:

۱ - عاشق معشوق را می‌بیند و طی این دیدارها دل می‌بازد: ابیات: ۴۳، ۴۹، ۶۲، ۷۳، ۷۸، ۸۸،

۸۹، ۱۱۴، ۱۱۶، و ۱۱۹.

۲ - عاشق در خلوت خود و گاه در میان جمع به توصیف عشق و معشوق خود می‌پردازد. و در بدایت امر سرخوشی و مستی بهوی دست می‌دهد. ابیات: ۲۴، ۴۵، ۸۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۰ و ۱۶۴.

۳ - در تب و تاب دلدادگی عاشق وارد مقام مقبولیت می‌شود. مراحل این سلوک ابتدا آرزوی مقبولیت نزد معشوق، سپس مقبولیت و در پایان لذت مقبولیت است. اینجا مقام خوف و رجاست. ابیات: ۱۳۸ و ۱۴۵.

۴ - مقام بعدی در سلوک عشق، دیدار است. این مقام نیز دارای مراتبی است که شامل اشتیاق و آرزو، قبول دیدار از طرف معشوق و در پایان توفیق دیدار است. در این مقام به ناچار توقفگاه‌هایی هم وجود دارد. گاه عاشق برای گذر از این موقف‌ها حاضر است جان نثاری کند. ابیات: ۵۰، ۵۶، ۶۵، ۷۶، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۲۸، ۱۳۰ و ۱۵۳.

۵ - منزل نهایی در سلوک عشق مقام وصال است. اما این مقام به آسانی به دست نمی‌آید راهی است پر پیچ و خم و پر خطر. رقیب نیز بر سر راه است. در این وادی گاه عاشق از درد خواستن بر خود می‌پیچد و حوصله‌اش سر می‌رود، بردباری‌اش را از دست می‌دهد و دست به ناله و زاری می‌زند؛ اما معشوق بی‌نیاز است، بردبار و شکیب است، انگار نفس و خواهش ندارد.

۱۱ - پیشنهادها

از آنجا که ادبیات فولکلوریک روح جمعی یک قوم است. لازم است آثار ادبی آن مورد تجزیه و تحلیل و حتی نقد قرار گیرد این مقاله کوشیده است تا چراغی فرا راه پژوهشگران قرار دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود این آثار از وجوه مختلف از جمله فکری، زبانی و ادبی توسط علاقه‌مندان و بویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی نقد و بررسی گردد. به عنوان مثال کتاب‌های داستانی علی اکبر نقی‌پور (آخرین کوچ، قصه دیو دروغه، قصه خورشید اسیر، نادریش) را می‌توان از وجوه فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

۱۲ - کتاب‌نامه

- امامی، نادر. (۱۳۹۸). تحلیل شگردهای بلاغی و بلاغت تصویر در شعر کیومرث عباسی و علی الفتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- باوندپور، سجاد. (۱۳۹۶). بررسی جلوه‌های پایداری در اشعار احمد عزیزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش ادبیات پایداری. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- برزگر خالقی، محمدرضا. (۱۳۸۸). عاشقانه‌های کردی. کاوش‌نامه، سال دهم (۱۳۸۸)، شماره ۱۸، صص ۲۲۳-۲۰۱.
- بروفرد، آیت. (۱۳۹۶). بررسی ساختار و محتوای شعر پایداری در سروده‌های محمدجواد محبت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش ادبیات پایداری. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- پادبان، آرزو. (۱۳۹۵). سیمای جامعه در شعر یدالله بهزاد کرمانشاهی و پرتو کرمانشاهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- توحیدی فر، محمدرضا. (۱۳۹۶). بازتاب بن‌مایه‌های میهن دوستی در شعر شاعران شاخص کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش ادبیات پایداری. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۳). حافظ‌نامه. بخش اول. چاپ ۶. تهران: علمی و فرهنگی.
- خزاعی، زهره. (۱۳۸۸). نقد و تحلیل داستان نویسی در غرب کشور با تکیه بر رمان نو یسان کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- رضایی، بهاره. (۱۳۹۵). بررسی شعر آیینی در آثار شاعران کرد (محو، مولوی، ملا محمود بیخود، ملای جزیری). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ستوده، غلامرضا و دیگران. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل مضمون و درون مایه در ترانه‌های عاشقانه محلی ایرانی. فصل‌نامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی. سال یازدهم شماره ۳۹.

- تابستان ۱۴۰۰. صص ۷۴-۵۷.
- سلطانی، محمدعلی (مصحح). (۱۳۶۲). نمونه هایی از دیوان سید یعقوب ماهیدشتی. تألیف سید یعقوب ماهیدشتی. بی تا:؟.
 - سیدنظری، بهمن. (۱۳۷۶). نکته پردازی و مضمون سازی در شعر و ادب پارسی. پژوهشنامه علوم انسانی. بهار و تابستان ۱۳۷۶. شماره ۲۱. صص ۱۲۷-۱۴۱.
 - شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). انواع ادبی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات فردوس.
 - شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). نگاهی تازه به بدیع. تهران: نشر میترا.
 - شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). بیان و معانی. تهران: نشر میترا.
 - صادقی، یحیی. (۱۳۸۹). نقد زیباییشناختی، گردآوری و بازنویسی هزار ضرب المثل کردی کلهری. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
 - طیار، زاده، مراد. (۱۳۹۶). بازتاب مفاهیم عرفانی در شعر دفاع مقدس شاعران کرمانشاهی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
 - عاطف راد، مهدی. (۱۳۹۲). به یاد زنده یاد دکتر علی اکبر نقی پور. تارنمای شخصی. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱/۱۹ <http://www.atefrad.com/view.php?id=431>
 - کبودی، اردشیر. (۱۳۹۶). نقد بلاغی زیبایی شناسی اشعار یدالله بهزاد کرمانشاهی در مجموعه شعر گلی بی رنگ. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
 - کرمی، فرزانه. (۱۳۹۲). بررسی سبک شناختی سروده های کردی شاعران کرمانشاه (با تکیه بر اشعار سید یعقوب ماهیدشتی، شامی کرمانشاهی، پرتو کرمانشاهی و قصری). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
 - کوئیلو، پائولو. (۱۹۹۱). عطیه برتر رساله ای درباره عشق. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان. ۱۳۸۳ ش.
 - کیهانی، حبیب الله. (۱۳۹۳). نقد و بررسی دیوان اشعار میرزا نادر هرسینی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- گوهرین، سید صادق. (مصحح). (۱۳۴۲). منطق الطیر "مقامات طیور". تهران: شرکت انتشارات علمی.
- مرادی، مهناز. (۱۳۹۲). سیمای زن در مکتب داستان نویسی غرب کشور (کرمانشاه) با مطالعه موردی (شوهر آهو خانم) و (سال‌های ابری). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- نادری، محمد (۱۳۹۶). بررسی تقابل‌های دوگانه در شعر آیینی احمد عزیزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- نقی پور، علی اکبر. (۱۳۵۲). رالیسم و تکامل تاریخی آن. مشهد: طوس.
- ----- (۱۳۵۲). نوآوری در شعر معاصر فارسی. مشهد: طوس.
- ----- (۱۳۵۶). قصه دیو دروغه. تهران: گلشایی.
- ----- (۱۳۵۷). فرمالیسم در سیر تکامل جامعه. تهران: همگام.
- ----- (۱۳۶۷). بشریت و تهدید گرسنگی. تهران: مؤلف.
- ----- (۱۳۶۹). یارمحمدخان سردار مشروطه. تهران: مؤلف.
- ----- (۱۳۸۰). آخرین کوچ. تهران: بیان آزادی.
- ----- (۱۳۸۰). تاجی بر تارک تاریخ معاصر. تهران: ایران مهر.
- ----- (۱۳۸۱). قصه خورشید اسیر. تهران: همه.
- ----- (۱۳۸۲). عقاب قله‌های کلیر. تهران: همه.
- ----- (۱۳۸۳). هشت کتاب در یک کتاب. تهران: آبا.
- ----- (۱۳۸۵). نادر ویش. تهران: آبا.
- ----- (۱۳۸۷). شاهنامه از حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی. تهران: آزان.
- ----- تاریخ ادیان. دست نویس چاپ نشده.
- ----- تاریخ ایل کلهر. دست نویس چاپ نشده.
- ----- دفتر خاطرات. دست نویس چاپ نشده.
- ----- دفتر شعر. دست نویس چاپ نشده.
- ----- فراریان قلعه وحشت. دست نویس چاپ نشده.

- ----- گل های زاگرس. دست نویس چاپ نشده.
- همراهیان، طاهره. (۱۳۹۸). تأثیر شاهنامه بر ادبیات عامیانه کرمانشاه. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش محض. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- یسنا، یعقوب. (۱۳۹۷). جایگاه عاشق، معشوق و رقیب در شعر معاصر فارسی. ماندگار (روزنامه صبح افغانستان). چهارشنبه ۲ جوزا ۱۳۹۷.
- یوسفی، فرشید. (۱۳۹۵). زندگی نامه بزرگان کرمانشاه. (جلد دوم). کرمانشاه: دیپاچه.

The Stages and Disciplines of Love in Kurdish Folk Literature Based on the Book of Flowers of the Zagros

Kiyomart Zarafshan

Master's degree holder in Persian Language and Literature.

Abstract

Introduction: The vast and deep sea of Persian literature is the result of a collection of literatures of Iranian tribes that have formed a single whole in interaction with each other. In the meantime, the role of Kurdish language and literature with its diverse dialects and accents in enriching this fertile tree is undeniable. However, works written in Kurdish have not been explored as much as they should and deserve.

Objective: This research aims to briefly introduce Ali Akbar Naqipour as a literary figure from an intellectual perspective and to examine the theme; stages and disciplines of love in his only work in Kurdish, namely the book "Flowers of the Zagros."

Research Method: This research uses a library method. In the data analysis chapter, an analytical-descriptive method is used to explain the subject in question. And its results are based on the approach of analyzing the constituent elements of the poems of the book "Flowers of the Zagros" and in a library manner.

Findings: The verses of the book "Flowers of the Zagros" contain various concepts of human life and intellectually include diverse and colorful themes. But love is its fundamental and continuous theme. In this book, according to the path of mystics along the path of mysticism, we can distinguish stages and paths along the path of love.

Conclusion: The theme or theme of "Flowers of the Zagros" is love and happiness in general. But in its content analysis, we encounter stages and paths such as acceptance, meeting, reunion, sacrifice, etc. These stages have levels. Its highest level describes the joy of reaching and achieving that stage, and the lowest level

describes the regret and failure of that stage. Therefore, it is not always the case that the path of love is immersed in reunion, but is constantly exposed to threats. In general, the stages and paths of love can be summarized in the following five steps:

- ۱ The lover sees the beloved and loses heart during these meetings.
- ۲ The lover describes his love and his beloved in private and sometimes in public.
- ۳ In the heat of infatuation, the lover enters the stage of acceptance.
- ۴ The next stage in the path of love is the meeting.
- ۵ The final stage in the path of love is the stage of union.

Keywords: Native literature, love, Kurdish language, Ali Akbar Naqipour, Zagros flowers.